انگاره های اعتقادی ودفاع از مقدسات اسلامی در فلسطین

انگاره های اعتقادی ودفاع از مقدسات اسلامی در فلسطین

(موردكاوي: شناسايي قدس به عنوان پايتخت اسراييل وانتقال سفارت آمريكا از تل آويو به قدس)

مهدي شكيبايي*

چکیده:

اقدام دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا در شناسایی قدس به عنوان پایتخت اسرائیل و انتقال سفارت این کشور از قدس به تل اویو با واکنشهای گسترده ای در جامعه فلسطینی و جهان اسلام روبرو شده است. آیا این واکنشها مقطعی و زود گذر است یا در فرهنگ و باورهای اجتماعی مسلمانان ریشه دار است و استمرار خواهد یافت. در این مقاله تلاش شده است به صورت کاملا علمی این موضوع مورد بررسی قرار گرفته و واکنش جهان اسلام در قبال معامله قرن ریشه یابی شود.

کلید واژه ها:

انگاره ها و اعتقادات ، قدس، فلسطین، رژیم صهیونیستی، امریکا، معامله قرن، انقلاب اسلامی، قران ، روایتهای دینی

مقدمه:

دولت امریکا در تاریخ 25/2/1397 سفارت خود را از تل آویو به بیت المقدس منتقل کرد. این انتقال طی مراسمی در سالروز اشغال رسمی سرزمین فلسطین و اعلام تاسیس رژیم صهیونیستی در آن انجام گرفت. موضوعی که با استقبال تنها چند کشور کوچک جهان مانند پاناما و گواتمالا روبرو شد و تقریبا همه کشورهای جهان با این اقدام امریکا مخالفت کردند. اقدام امریکا ناقض مقررات بین المللی و خلاف قطعنامه های بین المللی (181 و 194 و 242 سازمان ملل متحد) محسوب شده و به همین دلیل در سطح بین المللی با استقبال روبرو نشد. هر چند امریکا و رژیم صهیونیستی امیدوارند با توجه به جایگاه امریکا در نظام بین الملل به عنوان یک قدرت موثر و یک هژمون برتر این اقدام به موضوعی قابل قبول تغییر وضعیت یابد. ضمیمه سازی بیت المقدس و انتقال پایتخت رژیم صهیونیستی به این شهر مقدس اسلامی و تاریخی یک خواسته پیوسته صهیونیست ها از زمان اشغال سرزمین فلسطین بوده است اما این موضوع با توجه شرایط خاص منطقه بیت المقدس و جایگاه تاریخی و دینی آن و نیز قطعنامه های بین المللی امکان پذیر نبوده است. صهیونیست با توجه به نفوذ لابی های صهیونیستی موفق شدند در سال 1995 میلادی قانونی را در کنگره امریکا به تصویب برسانند که روسای جمهور این کشور را موظف ساخته تا نسبت به انتقال سفارت این کشور از تل آویو به بیت المقدس تلاش کنند و هر شش ماه یکبار گزارش اقدامات دولت در این موضوع را به کنگره ارسال کنند. اما این موضوع همواره از سوی روسای جمهور امریکا تعلیق و به تعویق می افتاد. زیرا این اقدام خلاف مقررات نظام بین المللی بود که دولت امریکا خود به عنوان راس این نظام آن را تصویب کرده بود. موضوعی که می توانست به جایگاه این کشور در نظام بین المللی آسیب جدی وارد کند. با تحویل گرفتن دولت امریکا از سوی دونالد ترامپ و نوع تعامل منفی وی با ساختارهای بین المللی، صهیونیست ها احساس کردند تنها فرصت تاریخی برای یکسره کردن مساله فلسطین فراهم شده است و از طریق عوامل خود در ساختار نظام امریکا خصوصا جرالد کوشنر که یک یهودی اسرائیلی – امریکایی و داماد و مشاور ارشد رئیس جمهور امریکا است، رئیس جمهور این کشور را وادار ساختند تا با نادیده گرفتن قطعنامه های بین المللی ضمن شناسایی بیت المقدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی دستور انتقال سفارت امریکا به این شهر را صادر کند.

انتقال سفارت امریکا به بیت المقدس سوالات زیادی را در باره پیامدهای آن در سطح بحران فلسطین، منطقه، جهان اسلام و جهان مطرح می سازد. واکنش نظام بین الملل در باره این اقدام غیر قانونی آمریکا چه خواهد بود و آیا این نظام توانایی استمرار بر مخالفت با آن را دارد؟ این اقدام چه تغییری در معادله درگیری فلسطینیان با رژیم صهیونیستی ایجاد خواهد کرد و جامعه فلسطینی چه واکنشی از خود نشان خواهد داد؟ کشورهای منطقه نسبت به این اقدام امریکا چه مواضعی را اتخاذ خواهند کرد؟ موضع جهان اسلام در این تجاوز آشکار به مقدسات اسلامی چه باید باشد؟ در صورت موفقیت امریکا و صهیونیست ها در عبور از این مرحله آیا در صدد تسری این اقدام در سطح منطقه بر خواهند آمد؟ و آیا

این اقدام سرآغاز اقدامات گسترده تر خواهد بود که تحت عنوان معامله قرن ارائه شده است؟

چارچوب نظری موضوع:

در این مقاله تلاش می شود پیامدهای اقدام امریکا در انتقال سفارت این کشور به بیت المقدس را بر اساس نظریه سازه انگارانه مورد بررسی قرار دهیم. سازه انگاری از تئوری های نو پدید در حوزه تئوری های روابط بین الملل است. عمر این نظریه پردازی کمتر از چهار دهه است. این نظریه در سال 1980 میلادی مطرح شده است." طیف وسیعی از نظریات سازه انگاری از نوع متعارف آن تا رادیکال باعث شده است تا عملیاتی کردن این نظریه مشکلات خاص خود را داشته باشد. پس از انقلاب اسلامی ایران و پیروزی آن بسیاری از نظریه پردازان در فهم انقلاب اسلامی بر اساس نظریه های متعارف دچار مشکلات جدی بودند تا اینکه برخی از اندیشمندان جامعه شناسی متغیر باورها وهنجارهای فکری را در محدوده تحلیل وارد کرده و تئوری سازه انگاری را پدید آوردند.اما با این حال سه مورد کلی را اندیشمندان این رویکرد به عنوان گزاره های اصلی سازه انگاری پذیرفته اند.

این سه مورد شامل موارد زیر است:

1- ساختار های هنجاری و فکری به اندازه ساختار های مادی دارای اهمیت است

2- هویت ها و هنجارها در شکل گیری منافع و کنش ها نقش تعیین کننده دارند.

3- ساختار وکارگزار متقابلا به هم شکل می‌دهند.

علاوه بر آن اندیشمندان مختلف رهیافت سازه انگاری تقسیم بندی های از تئوری سازه انگاری و مفروضه های آن بیان نموده اند

واینر مهمترین گزاره های رهیافت سازه انگاری را بدین صورت بیان می‌نماید:

1- محیط جهانی تنها به عوامل مادی محدود نمی‌شود بلکه فاکتورهای فکری و هنجاری نیز اهمیت دارند.

2- خصوصیات دولت ها نتیجه تعاملات آنها است و اینکه دولت ها دارای صفات ذاتی و از پیش تعیین شده

نیست.

3- منافع و هویت ها مفروض و از پیش داده نیست بلکه نتیجه تعامل اجتماعی است که در فرایندهای بین المللی در معرض تغییر اند

4- انواع تعامل عبارتند از: مذاکرات - چانه زنی - بحث و استدلال و ارتباط همگانی و عمومی با علامت ها و سخنرانی ها.

5- تصمیم گیری در امور جهانی در سه سطح صورت می‌گیرد:

1- نهادهای رسمی مثل رژیم های امنیتی

2- فرهنگ سیاسی جهانی(حکومت قانون، قواعد و هنجارها)

3- فاکتورهای انگاره ای از جمله الگوهای دوستی و دشمنی، روابط سیاسی میان کشورها.

سازه انگاری ابتدا بیشتر با نام الکساندر ونت شناخته می‌شد ولی بدنبال ناتوانی تئوری های سنتی در پیش بینی تحولات جهانی، توسط اندیشمندان دیگر رشد و گسترش یافت و در حال حاضر یکی از تئوری های غالب در روابط بین الملل است. از اندیشمندان برجسته سازه انگاری در روابط بین الملل می‌توان به استفان وارینگ، میچل بارنت، نیکلاس اونف، کاتزنساین، راگی، ویور، چکل و انتونی کلارک اشاره کرد. علاوه بر واینر، چکل نیز به تقسیم بندی رهیافت سازه انگاری پرداخته است. وی این رهیافت را به سه دسته هویتی، تفسیری و رادیکال - انتقادی تقسیم می‌کند. سازه انگاری هویتی که مکتب حاکم در ایالات متحده است، به بررسی نقش هنجارها و در موارد معدودتری به نقش هویت ها در شکل گیری نتایج سیاست بین الملل می‌پردازد. اندیشمندان این دسته، از لحاظ معرفت شناسی پوزیتویست اند که بیشتر به تاثیر یک پدیده بر پدیده دیگر می‌پردازد(تاثیر هنجارها). سازه انگاری تفسیری که عمومیت بیشتری در اروپا دارد به بررسی نقش زبان در ساخت واقعیت اجتماعی می‌پردازد که از لحاظ معرفت شناسی پست - پوزیتویست است در این تئوری به تاثیر a بر b پرداخته نمی‌شود. بلکه به مقدور بودن (ممکن و شدنی بودن آنها می‌پردازد) و به تشریح مضمون هویت دولت ها در یک مورد خاص می‌پردازد. سازه گرایی رادیکال - انتقادی از کانون های زبان شناختی حمایت و پشتیبانی می‌کند. اما با تاکید بر بازتولید هویت ها دارای یک بعد هنجاری صریحی است. هر دو سازه انگاران تفسیری و رادیکال - انتقادی، منابع

اساسی تئوریکشان به رهیافت زبانشناختی ویتگنشتاین بر می‌گردد و در تحلیل هایشان با تاکیدی که بر گفتمان های فکری و معرفتی و بازی های زبانی دارند، در جرگه پست مدرن ها قرار می‌گیرند.

همچنین "دایز" سازه انگاری را به دو دسته اجتماعی و تئوریکی تقسیم می‌کند. در نوع اجتماعی آن به صفت یا کیفیت واقعیت اجتماعی پرداخته می‌شود (کاتزنستاین و گیدنز) و نوع تئوریکی آن به شرایط و وضعیت دانشمان از واقعیت می‌پردازد. معمولا تاکید صرف بر هویت و فاکتورهای ایده ای در روابط بین الملل به معنای سازه انگار بودن و تحلیل سازه انگارانه از بحث و یا موضوع نیس.

رویس اسمیت سازه انگاری را به دو دسته فراملی و داخلی(اجتماعی) تقسیم می‌کند که در سطح بین الملل بر نقش هنجارهای بین المللی و در سطح داخلی بر هنجارهای درون جامعه اشاره دارد.

این رهیافت اعتقاد دارد که سیاست بین الملل در قالب جامعه بین الملل شکل می‌گیرد، این جامعه بر اساس هنجارها و قواعد خاصی قرار دارد و این هنجارها و قواعدند که بر اساس آن منافع را شکل می‌دهند و هنجارها دلیل عقلانی رفتار بهتر دولت ها را فراهم می‌نمایند.

این رویکرد صرفا بر شرایط و نیروهای مادی تکیه نکرده، بلکه اولویت اصلی را به انگاره ها و اندیشه ها می‌دهد و تمرکز اصلی شان بر روی اعتقادات بین الاذهانی که در سطح گسترده میان مردمان جهانی مشترک اند، قرار می‌دهند. منافع و هویت های انسانها از طریق همان اعتقادات مشترک شکل گرفته و تبیین می‌شوند.

در چارچوب تحلیل سازه انگاری نمی‌توان سیاست بین الملل را در حد یک سلسله تعاملات و رفتار های عقلایی و در چارچوب های صرف مادی و نهادی در سطوح ملی و بین الملل تقلیل داد زیرا تعاملات دولت ها بر اساس یک سلسله منافع ملی تثبیت شده، شکل نگرفته است. بلکه در طول زمان به صورت نوعی الگوی رفتاری ازطریق هویت ها شکل می‌یابند و یا باعث تشکیل هویت می‌شوند.

سازه انگاری اجتماعی مدلی از تعاملات بین المللی را ارائه می‌دهد که طی آن مساعی لازم را به عمل می‌آورد تا تاثیر هنجاری ساختار های نهادی بنیادی را بررسی کرده و ارتباط میان دگرگونی های هنجاری، هویت و منافع دولت ها را مشخص نماید. از آنجا که هویت دولت ها به زمینه های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بستگی دارد بنابراین در وضعیت متغیر به سر می‌برند، منافع مانند هویت ها از طریق عملکرد های اجتماعی حاصل می‌شود.

برای حصول اطمینان از یک سطح قابل پیش بینی و نظم در سیاست بین الملل و نیز جامعه داخلی، هویت یک امر ضروری به حساب می‌آید. سازه گرایان بر نقش فرهنگ در روابط بین الملل تاکید دارند و کانون توجه آنان آگاهی بشری و نقشی است که این آگاهی در روابط بین الملل ایفا می‌کند. در این رویکرد ساختار و کارگزار به شکلی متقابل بر هم تاثیر می‌گذارند. ساختار جدا از رویه های کنشگران وجود ندارد.

در این رویکرد دولتها نهادهای هستند که موجودیت و خصوصیتشان وابسته به باز تولید انواع خاصی از رویه هاست. دولت صرفا واحد حقوقی و یا سازمان رسمی نیست بلکه مجموعه ای از رویه هاست که به شکل هنجاری قوام یافتند.

در اینجا خلاصه ای از تئوری سازه انگاری از دید سه اندیشمند برجسته این مکتب بیان می‌کنیم:

راگی سازه انگاری اجتماعی را آگاهی بشری و نقشش در امور بین الملل می‌داند که متکی بر بعد بین ذهنی کنش بشری است. وی بیان می‌کند که هویت های بازیگران و منافعشان از لحاظ اجتماعی ساخته شده اند و حقیقت های اجتماعی برای دوام شان نیاز به نهادهای بشری(پول، ازدواج، حاکمیت و...) دارند.

تاهامو، سازه انگاری را چارچوبی برای تحلیل روابط بین الملل می‌داند که ریشه اش به جامعه شناسی بر می‌گردد و دارای فرضیات مشترکی با مکتب انگلیسی است. در این رهیافت دولت ها به مثابه موجودات اجتماعی اند که رفتارشان از قواعد، هنجارها، نهادها و هویت ها مشتق شده است. وی سازه انگاری را به عنوان یک آلترناتیو تئوریکی در مطالعه روابط بین الملل می‌داند.

ونت در تئوری اجتماعی سیاست بین الملل بیان می‌کند که تعامل میان بازیگران بستگی به ساختار دانش سیستم بین الملل دارد. دانش را به عنوان فرهنگ و معانی مشترک تعریف می‌کند. تاثیر و هستی فرهنگ جدا از عقاید اشخاص نمی‌تواند باشد اما در عین حال به آنها نیز محدود نمی‌شود بلکه بستگی به چگونگی مفهوم سازی دیگران دارد ونت به سه سطح کلان از ساختار های دانش یا فرهنگ به نام های هابزی، کانتی و لاکی اشاره می‌کند. رفتار دولت ها در سیاست خارجی بستگی به نوع فرهنگی است که در خود درونی کرده اند. در فرهنگ هابزی تلاش برای پیروزی و تخریب دیگران وجود دارد، تاکید زیادی بر فاکتورهای نظامی دارد و اگر جنگی هم رخ دهد دولت ها زورشان را محدود نخواهند کرد. در فرهنگ لاکی دولت ها علی رغم تضاد هایی که دارند به حاکمیت هم احترام می‌گذارند قدرت نظامی مهم است اما یک اولویت نیست. در فرهنگ کانتی دولت ها منازعات خود را بدون جنگ و خونریزی حل و فصل می‌کنند و دولت

ها به صورت تیمی‌عمل می‌کنند. دولت ها بر حسب نوع درونی کردن این فرهنگ ها در خود رفتار متفاوتی را درسیاست خارجی اتخاذ می‌کنند و به تبع وضعیت نقش آنها نیز متفاوت خواهد بود."

به نظر ونت سازه انگاری یک تئوری ساختاری از سیستم بین الملل است که:

1- دولت ها واحد های اصلی تحلیل کردن تئوری سیاست بین الملل اند.

2- ساختار های اساسی در سیستم دولت ها بین الذهنی اند.

3- هویت ها و منافع دولت ها توسط ساختارهای اجتماعی شان و در فرایند تعامل ساخته می‌شوند.

4- ساختار و کارگزار به صورت متقابل بر هم اثر می‌گذارند.

مهمترین تاکید ونت بر هویت است که در فرایند تعامل بین دولت ها ایجاد می‌شود.

در نهایت دیوید پاتریک هاگتن اشتراکات میان شاخه های مختلف سازه انگاری را به صورت زیر بیان می‌دارد:

- اولین اشتراک تفاوت میان حقایق تاسیسی و مفروض است، اینکه مسائل اطراف ما بستگی به عقاید ایده ای ما به آنها دارد. تقریبا تمام سازه انگاران به فاکتورهای ایده ای در تعیین حقایق اجتماعی توجه دارند.

- ساختار و کارگزار متقابلا ساخته می‌شوند و یکی بر دیگری برتری و تسلط ندارد.

- ایده ها، هویت ها منافع دولت ها را شکل یا تکوین می‌دهند و تاکید خاصی بر ایده های جمعی و هنجارها دارند همان طور که فینن مور و سکینک نوشته اند، فاکتورهای ایده ای قابل تقلیل به اشخاص نیستند.

- چهارمین فاکتور مشترک را هویت ها می‌داند که این مورد توسط انسان ها و ایده هایشان ساخته می‌شود. "

نظریه سازه انگاری و انقلاب اسلامی ایران:

در واقع نظریه های سازه انگارانه در اواخر دهه هشتاد میلادی و پس ناتوانی تئوری های قبلی در تحلیل رفتار انقلاب اسلامی متولد شده است. یعنی اساسا تئوری سازه انگارانه در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی مطرح شد و تبدیل به یک تئوری جدید برای تفسیر و فهم رفتار انقلاب اسلامی و چرایی پیروزی آن شد. در بحبوحه انقلاب مردم در سال های 1356 و 1357 غرب تلاش زیادی برای جلوگیری از پیروزی انقلاب کرد و حتی در این چارچوب با فرستادن ژنرال هایزر سعی کرد شرایط جاری را درک کند و با مدیت وضع موجود ساختار رژیم پهلوی را حفظ کند. این تلاش ها در واقع بر اساس تئوری های موجود و مطرح آن زمان صورت گرفت اما به علت ناتوانی در فهم پدیده انقلاب اسلامی شکست خورد و نتیجه همه این تلاش ها چیزی جز ناکامی نبود. جامعه ایران یک جامعه دینی و بر پایه نوعی از ایمان و پایبندی به اسلام و مرجعیت دینی بود و انقلاب مردم ایران هم بر اساس این فرهنگ و باور دینی شکل گرفت ،موضوعی که در تئوری های تغییرات اجتماعی قابل درک نبود.

همانطور که گفته شد در تئوری سازه انگارانه هویت ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در شکل گیری سیاست ایفا می کند و کسب منافع اقتصادی و سیاسی هدف اصلی رفتار دولت ها نیست. به عبارت دیگراز درون فرهنگ و باورها است که سیاست تعریف می شود. حال آنکه بر پایه سایر تئوری های اجتماعی مطرح در غرب، هدف اصلی رفتار دولت ها کسب منافع اقتصادی و سیاسی است و به همین دلیل هویت ها و هنجارها و باورها و فرهنگ ها باید در درون سیاست تعریف و متولد شوند.

تئوری های اجتماعی قبلی به همین دلیل ناتوان از تفسیر و فهم رفتار جامعه ایران در ارتباط با آرمان آزادی فلسطین است. از همان آغاز شکل گیری بحران در فلسطین، جامعه ایران نسبت آزادی فلسطین دغدغه پیدا کرد. این جامعه پس از شکل گیری نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی این دغدغه را همچنان حفظ کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و قرار گرفتن آرمان فلسطین در اولویت سیاست خارجی آن، شکل جدیدی از رفتار بین المللی نمایان شد. رفتاری که مبتنی بر باورهای دینی و فرهنگی و وعده های قرآنی است و در چارچوب روابط بین الملل که مبتنی بر شناخت متغیرها با سنجیدن شاخص ها است، قابل فهم نبود. از دهه نود میلادی با تکمیل تئوری سازه انگاری امکان بررسی این مدل از رفتار بین المللی فراهم شد زیرا تئوری سازه انگارانه اموری مانند باورهای دینی، تمدنی و فرهنگی را به عنوان شاخص در تحلیل رفتار دولت ها قبول داشته و مورد بررسی عمیق قرار می دهد.

ایران کشوری است که در قبال آرمان آزادی فلسطین هزینه های سنگینی پرداخت می کند. چهل سال است که

ایران علیرغم زیانهای منافع اقتصادی و سیاسی، برپایبندی به آرمان آزادی فلسطین تاکید دارد. این موضوعی است که غرب تلاش در فهم آن دارد. افزون بر آن خود رفتار غرب نیز مبتنی بر نوعی انگاره های دینی است که به باورهای نئو انجلیست های امریکا و انگلیس در ارتباط با بحث ظهور ارتباط دارد. شناسایی قدس یا اورشلیم به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی بی ارتباط با وعده های دینی مرتبط به بحث ظهور نیست و نمی توان آن را در تئوریهای رایج در روابط بین الملل بررسی کرد. از این رو می توان گفت که کنش و واکنش در باره قدس بر پایه بارهای دینی صورت می گیرد وبدون چنین فهمی نمی توان این رفتار ها را تحلیل کرد.

قدس وهنجارهای انگارانه اسلامی:

موضوع بیت المقدس بر پایه انگاره های دینی، تمدنی و تاریخی استوار است که بر اساس برخی از آیات و روایت اسلامی بنا شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: " ولن یجعل ا للکافرین علی المومنین سبیلا" این آیه که مفسرین قرآن از آن قاعده نفی سبیل را استخراج کرده اند، تاکید دارد کفار نباید بر جوامع مسلمان در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره مسلط شوند و اگر دار الاسلام از سوی دار الکفر اشغال گردد بر همه مسلمانان واجب است که آن سرزمین را از کافران پس بگیرند. بر اساس این آیه جامعه مسلمان مکلف است در مقابل تلاش جوامع دیگر برای سلطه بر بخشی یا همه جهان اسلام ایستادگی کند. فلسطین از سال 1948 و قدس از سال 1967 در اشغال صهیونیست ها است و آزاد سازی آن یک تکلیف اسلامی است. از پیامبر اسلام روایت شده است " مَنْ اَصْبَحَ و لم یَهْتَمّ ُ بِاُمورِ الْمُسْلِمینَ فَلَیْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلاً یُنادی یا لِلْمُسْلِمینَ فَلَمْ یُجِبْهُ فَلَیْسَ بِمُسْلِمٍ" این حدیث تاکید دارد؛ کسی که روزی از او بگذرد و در آن روز نسبت به امور مسلمان تلاشی نداشته باشد از پیروان پیامبر نیست و اگر مسلمانان پاسخ یک انسان را که مسلمانان را به یاری فرامی خواند ندهند، دیگر مسلمان نیستند. همچنین خداوند متعال در سوره اسرا اعلام کرده است که بنی اسرائیل به سرزمین فلسطین حمله خواهد کرد وان را اشغال می کند و در یک جایگاه بالایی از قدرت می رسد اما بندگان خداوند می آیند واین سرزمین را آزاد خواهند کرد. این وعده متضمن تکلیف نیز است که بندگان خدا باید انجام دهند. بر این اساس تا زمانی که در جوامع مسلمان این پایبندی دینی وجود دارد، پایبندی به آرمان آزادی قدس نیز وجود خواهد داشت و هرچه تهدیدات نسبت به این مکان مقدس افزایش یافته و جدی تر شود، واکنش جوامع اسلامی نیز ابعاد بیشتری پیدا خواهد کرد هرچند رژیم های وابسته بر خلاف این آرمان عمل کنند.

راهپیمایی های بازگشت همانطور که از ادبیات جامعه فلسطین دریافت می شود؛ در واقع واکنشی جدی به

تهدیداتی است که از سوی امریکا و اسرائیل متوجه بیت المقدس است. هر چند جریان سلطه به رهبری امریکا تلاش دارد این انگاره های دینی را از طریق برخی رژیم های عربی منطقه مانند عربستان مهار کند اما تحولات منطقه نشان می دهد که در این تلاش ها موفق نخواهد شد زیرا این رژیم ها خصوصا عربستان سال ها است که جایگاه دینی خود را از دست داده اند. رژیم عربستان بر پایه تفکر وهابی شکل گرفته است تفکری که تفسیری انحرافی از اسلام است. پس از ظهور گروه های تکفیری القاعده، جبهه النصره، داعش ودهها گروه دیگر و شکست آنها در مقابل مردم عملا جریان فکری حاکم برعربستان با بحران مواجه شد به گونه ای که در خود عربستان ، حمایت از وهابیت با مشکل مواجه شد. رژیم عربستان با توجه به درآمد حاصل از فروش نفت با تزریق پول در جوامع مختلف اسلامی تلاش کرد تا این تفکر را ترویج کند و خود را به عنوان رهبر جهان اسلام مطرح سازد. اما علمای اهل سنت اسلام در اجلاس گروزنی در سال 2016 تفکر وهابی را تفکری انحرافی وخارج از اسلام دانسته و با آن به مقابله برخاستند. در سال های اخیر با توجه به اقدامات تروریستی در سطح جهان اسلام که بر آموزه های وهابیت شکل گرفت و آشکار شدن وابستگی و مزدوری این رژیم برای غرب و اسرائیل، عربستان آن جایگاه اولیه خود را از دست داده است.

نتیجه گیری:

تا زمانیکه غرب بر پایه باورهای مسیحیان انگلیکان ویهودیان صهیونیست و روایت های عهد قدیم عمل می کند و بیش از هزار کلیسا ونزدیک به هزار ایستگاه رادیو وبیش از دویست شبکه تلویزیونی ماهواره ای اعلام می کنند که ایجاد اسرائیل در فلسطین با پایتختی اورشلیم یک وظیفه دینی است که مقدمه ظهور به شمار می رود رفتا غرب قابل تحلیل در چارچوب قدرت وهژمون وافزایش تسلط بر این منطقه یا آن نیست. در حال حاضر 38 سفارت انجیلی در دنیا وجود دارد که وظیفه آنها جمع آوری کمک برای اسرائیل است. این سفارتخانه ها همچنین برای گسترش شهرک سازی در کرانه باختری بیشترین کمک مالی را به اسرائیل تقدیم می کنند. این جریان (نئو انجلیست ها)در آخرین انتخابات امریکا موفق شد کاندیدای خود را به قدرت برساند وشرایط جدیدی در معادله موجود بین فلسطینیان واسرائیل حاکم سازد. اسرائیل احساس می کند که کسی طرفدار آنها مانند ترامپ نیامده ونخواهد آمد و به همین دلیل از او درخواست کردند که حل بحران خاورمیانه وتثبیت اسرائیل را در این دوره چهار ساله به عهده گیرد و در همین راستا واشینگتن قدس را به عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت شناخت و قصد دارد با معامله قرن نیازهای امنیتی اسرائیل را تامین کند.

در چنین شرایطی که اماکن مقدس اسلامی در معرض تهدید قرار گرفته و برخی از حکام کشورهای اسلامی به

بهانه تهدید ایران در صدد ائتلاف با دشمن صهیونیستی هستند ، ورود مردم مسلمان به صحنه برای دفاع از امنیت جهان اسلام و مقدسات آن در فلسطین آغاز شد. راهپیمایی بازگشت یکی از نمونه های فعالیت مردمی است در جهان اسلام که شکل گرفته است. این حرکت مردمی مبتنی بر اعتقادات دینی است و هدفش نجات قدس شریف از چنگال صهیونیستها است. قالب فکری این حرکت اجتماعی که در فلسطین در حال گسترش است بازگشت آوارگان فلسطینی به شهر های اصلی خود است که از لحاظ حقوقی نیز از پشتوانه قطعنامه 194 سازمان ملل نیز برخوردار است. این حرکت اعتقادی نافی بسیاری از چارچوبهای سیاسی است که رهبران فلسطین تا کنون انجام داده اند. سازشکاران فلسطینی موجودیت اسرائیل را در سرزمینهای اشغالی 1948 به رسمیت شناخته و تنها در باره کرانه باختری و نوار غزه (21%فلسطین)گفتگو می کند در حالیکه راهپیمایی بازگشت؛ بازگشت آوارگان به شهرها و روستاهای خود در سرزمین اشغالی 1948 را نشانه گرفته و به همین علت نمی توان هیچ گونه ارتباط میان دولت خودگردان با این حرکت سیاسی تعریف کرد.

البته این حرکت به علت اشتراک فکری با دیگر جوامع اسلامی بی پاسخ نخواهد ماند و تظاهرات متعدد در دفاع از قدس در کشورهای مختلف اسلامی طلیعه تحرک های گسترده در جهان اسلام برای دفاع از مقدسات است. مسلمانان می دانند که ساکت ماندن در مقابل این تهاجم امریکا به قدس تنها محدود به قدس نخواهد ماند و انفعال آنها در مقابل این اقدام امریکا یک پیام مهم برای امریکا و اسرائیل در بر دارد و آن اینکه مسلمانان نسبت به هویت دینی خود بی تفاوت هستند و به آنها برای تجاوز به مکه و مدینه و اشغال کامل شبه جزیره عربستان و دیگر سرزمین های مقدس اسلامی انگیزه لازم را منتقل می کند. بر این اساس انتقال سفارت قطعه ای از یک طرح بزرگ جریان سلطه یا همان صهیونیسم جهانی (به تعبیر امام خمینی) برای یکسره سازی اهداف سلطه طلبانه خود در سطح منطقه و جهان اسلام است و مخاطرات آن تنها برای فلسطین نخواهد بود و همه ملل مسلمان باید هزینه آن را پرداخت کنند. شکی نیست که رژیم های حاکم بر جهان اسلام مسئولیت زیادی در دفاع از باورهای مردم مسلمان دارند و اگر به هر دلیلی در صف دشمن قرار گرفتند با واکنش مردم معتقد ومسلمان روبرو خواهند شد.

بخش تئوریک این نوشتار در مورد سازه انگاری از مقاله آقای محمد امیر محمدی با عنوان سازه انگاری در روابط بین الملل به نشانی

.است شده استفاده http://www.bashgah.net/fa/content/show/19402

منابع :

1. جهانگیر گرمی، تحولات سیاست خارجی روسیه: هویت دولت و مساله غرب، چاپ اول (تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، 1384)، صفحه 27.

2. ناصر هادیان، سازه انگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۷، ش ۴، (زمستان ۱۳۸۲): ص ۹۱۵.

3. جهانگیر کرمی، سیاست خارجی از منظر تکوین‌گرایی اجتماعی راهبرد، شماره ۳۱، (بهار ۱۳۸۳): ص ۱۶۰.

4. Wiener, Antje , ”onstructivism: The Limits of Bridging Gaps”, Available at: http://www.ciaonet.org /olj/jird/ jird_sep03_wia01.pdf (may 2003)

5. Jeffrey T Checkel, “The constructivist turn in international relations theory” World Politics – Vol.50, No.2,(January 1998), pp. 324- 348.

6. V.Kubálková, Foreign Policy in a Constructed World, (New York: M.E. Sharpe, 2001), p80.

7. آندرو لینک لیتر، نو واقع گرایی، نظزیه انتقادی و مکتب برسازی، مترجم علیرضا طیب، چاپ اول (تهران: دفتر مطالعات سیاسی، 1386)، 210.

8. Zehfuss Maja, Constructivism in International Relations, (londan: Cambridge Univ Pr, 2002), p, 157.

9. الکساندر ونت، نظریه اجتماعی سیاست بین الملل، مترجم حمیرا مشیرزاده، چاپ اول (تهران:وزارت امورخارجه، 1385)، 227.

10 . David Patrick Houghton, “Reinvigorating the Study of Foreign Policy Decision Making:

Toward 10. Constructivist Approach”, Foreign Policy Analysis, Vol.3, NO.1 (January 2007) PP. 24- 45.

*کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی و مدیرعامل خبرگزاری قدس